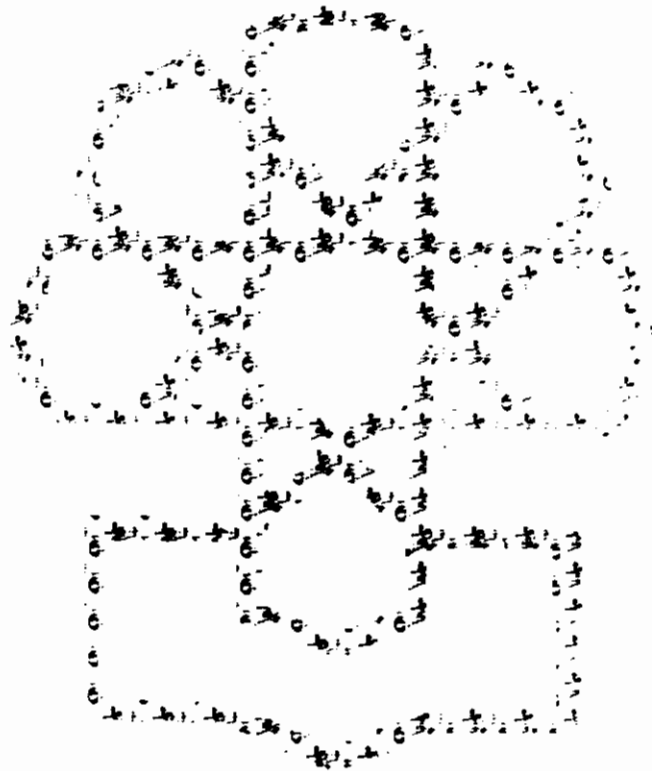




Handwritten signature or initials in the top right corner.

گفتاری پیرامون :

راهکارهای عملی برای توسعه آموزش و پرورش



معاونت پژوهشی

تیر ۱۳۷۸

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
 کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی مجلس شورای اسلامی
 شماره: ۱۴۰۳۷
 تاریخ: ۷۸/۱۳

کد گزارش: ۱۳۰۴۷۰۱

بسمه تعالی

گفتاری پیرامون راهکارهای عملی برای توسعه آموزش و پرورش

کد گزارش: ۱۳۰۴۷۰۱

فهرست مطالب

۲	مقدمه
۳	فصل اول - نظام جدید آموزش و پرورش
۶	فصل دوم - نگاهی به سازمان دانش آموزان و دستورالعمل شورای دانش آموزی مدارس
۶	۱-۲- سازمان دانش آموزی
۶	اهداف سازمان
۷	وظایف زنان
۷	اعضای سازمان
۷	نقاط قوت اساسنامه
۸	نقاط ضعف
۸	۲-۲- شورای دانش آموزی
۹	فصل سوم - شوراهای آموزش و پرورش

انسان موجودی زبانی، روانی، اجتماعی و تاریخی^(۱) است. غیر از تحول فردی، تحول نوعی هم دارد که به تاریخ و فرهنگ او باز می‌گردد. لذا در آموزش و پرورش می‌باید تمامی ابعاد انسان مورد توجه قرار گیرد تا محصول آن در ابعاد مختلف پرورش یافته و شکوفا شود. ولی آنچه در نظام‌های رسمی آموزش و پرورش مرسوم است پرداختن یک بعدی به توسعه دانش و علوم محض است که به غفلت از فلسفه و آرمان‌های تعلیم و تربیت و پرورش انسان‌هایی که در ابعاد مختلف مادی و معنوی رشد یافته و بار مسئولیت‌های فردی و اجتماعی را به دوش کشند منجر شده است.

واقعیت این است که چنین نظام آموزشی طرز تلقی ایجاد می‌کند که در نتیجه آن ما از انسانی که می‌باید متعالی گردد برشی نفهم بر مبنای معدل تحصیلی و پیشرفت تحصیلی - که آن هم تنها در زمینه آموزه‌ها و محفوظاتی خاص است - می‌زنیم و این برش را منشأ قضاوت قرار می‌دهیم. لذا دانش آموز هم هویت خود را در این محدوده می‌بیند و تمام هم خود را تنها به همین زمینه معضوف ساخته و از ابعاد دیگر که می‌تواند به کمال و شکوفایی و منجر گردد غافل می‌ماند. دانش آموزی موفق قلمداد می‌گردد که معدل بالاتر کسب کند اما این که آیا این فرد در دیگر ابعاد چه رشدی یافته و چگونه با مسائل زندگی و اجتماع برخورد خواهد کرد و چه مسئولیت‌ها و تعهداتی می‌تواند به عهده گیرد مورد تأمل ارزیابی قرار نمی‌گیرد. بدیهی است تازمانی که تعیین نگردد که چه محصولی می‌باید از این سیستم گرفته شود نمی‌توان برنامه ریزی درستی در این زمینه به عمل آورد.

توجه یک بعدی به مسئله آموزش و پرورش عواقبی به بار آورده است که هم اکنون بیشتر جوامع بشری با آثار منفی آن از جمله ضعف اطلاعاتی، کم توجهی به فرهنگ، تضعیف هویت، بی توجهی به ارزش‌های معنوی، سطحی بودن معلومات و ناتوانی در مقابله با مشکلات و حل آنها، بی میلی در به عهده گرفتن مسئولیت‌های جدی، ضعف روحیه همکاری و مشارکت روبه‌رو شده‌اند. لذا به این حقیقت پی برده‌اند که تربیت و پرورش انسان‌ها مستلزم تنظیم و اجرای برنامه‌های آموزشی دقیق و مدبرانه‌ای است که کودکان بتوانند با تمرین و ممارست طولانی در مدرسه، خانه و اجتماع به اهداف مورد نظر دست یابند. هدایت و راهبری کودکان در این مسیر مسئله‌ای مهم است که مسئولیت آن به طور مشترک بر عهده خانواده، آموزش و پرورش و رسانه‌های ارتباط جمعی است.

دانش آموز می‌باید در عمل با مسئله اخلاقی، ارزشی، اقتصادی، اجتماعی، علمی، فنی و هنری مواجه شود. او تا با مشکلات واقعی زندگی دست و پنجه نرم نکند، برای حل مشکلات و مسائل فکر نکند، تصمیم نگیرد، خطا نکند، کارهای فردی و اجتماعی انجام ندهد، ابتکار، خلاقیت و استعداد‌های او شکوفانمی‌گردد و نمی‌تواند بار مسئولیت‌های جدی و برخورد با مشکلات واقعی را به دوش کشد. انسان با طی طریق و تلاش در کسب دانش و تجربیات عملی به تدریج رشد می‌یابد و راه کمال را می‌پیماید.

کمیسیون بین‌المللی آموزش و پرورش با تجزیه و تحلیل مشکلات جوامع مختلف، آموزش و پرورش در طول زندگی را بر چهار ستون استوار می‌داند:

۱- یادگیری برای دانستن، یعنی یاد گرفتن روش یادگیری و استفاده از فرصت‌هایی که آموزش و پرورش در

طول زندگی فراهم می‌آورد؛

۲- یادگیری برای انجام دادن، که ایجاد فرصت عملی برای تجربه آموخته‌هاست؛

۳- یادگیری برای نا هم زیستن، به دنبال تحقق اهدافی است که انسان‌ها یکدیگر را بهتر درک کنند؛

۴- یادگیری برای زیستن، یعنی شخصیت هر فردی آن چنان رشد کند که بتواند خود را هدایت کند، تصمیم بگیرد و داوری درست انجام دهد.

با عنایت به اصول فوق در می‌بایم که هم اکنون دنیای تعلیم و تربیت در حال تحول است و کلیت و جامعیت تربیت آدمی را مدنظر قرار داده است.

هدف نظام مقدس جمهوری اسلامی این است که دانش را همراه با معنویت پیش برد لذا آنچه در تعلیم و تربیت اسلامی مورد توجه ویژه قرار می‌گیرد پرورش بعد معنوی انسان است. یعنی هدفی گسترده‌تر و عمیق‌تر از اهداف آموزش و پرورش غرب مدنظر می‌باشد. دستیابی به این هدف حرکتی جدی می‌طلبد که امید است با همت کلیه مسئولان تعلیم و تربیت این کشور برنامه ریزی لازم در این زمینه به عمل آید.

فصل اول - نظام جدید آموزش و پرورش

موضوع تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۴ پس از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شد و وزارت آموزش و پرورش موظف گردید که طرح نظام جدید آموزش و پرورش را برای بحث و بررسی و تصویب به این شورا تقدیم نماید و به همین منظور دستور تشکیل شورای تغییر بنیادی آموزش و پرورش را صادر کرد.

شورای یاد شده طرح پیشنهادی را در سال ۱۳۶۶ تهیه کرد و به شورای عالی انقلاب فرهنگی تقدیم نمود که در نهایت این طرح در خرداد ماه سال ۱۳۶۷ با نام «طرح کلیات تغییر نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران» به تصویب رسید.

در راستای عملیات شورای تغییر نظام آموزش و پرورش - موضوع تبصره ۱۴ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی مطرح می‌شود که لایحه در مجلس دنبال نمی‌گردد و در نهایت طرح در شورای عالی انقلاب فرهنگی با ایجاد سه هیئت تصویب می‌شود که عبارت بودند از:

۱- شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش؛

۲- هیئت اجرایی آموزش و پرورش متوسطه نظام جدید؛

۳- هیئت نظارت بر اجرای نظام جدید آموزش و پرورش کشور.

متأسفانه از همان ابتدا تغییراتی در اجرای این مصوبه از سوی وزارت آموزش و پرورش انجام گرفت که این موضوع طی نامه وزیر وقت آموزش و پرورش به رئیس محترم جمهور وقت و با دلیل عدم سنخیت بسیاری از مسائل مطروحه در شورا با مسئولیت‌های معاونت پرورشی عنوان شده بود.

در نهایت شورای تغییر نظام به دو گروه برای تغییر نظام آموزش و پرورش متوسطه و نظام آموزش و پرورش عمومی (ابتدایی و راهنمایی) تقسیم گردید. در گروه اخیر معاون پرورشی وزارت پذیرفته نشد تا عرصه فعالیت تغییر نظام آموزش و پرورش متوسطه بیشتر جنبه آموزش به خود بگیرد. با که رنگ شدن ماهیت تربیتی و پرورشی تغییر نظام، عنوان فعالیت هم به نام «تغییر نظام آموزش متوسطه» اعلام گردید.

بنابراین نظام جدید متوسطه که با هدف از بین بردن تنگنای نظام قدیم شامل:

- ۱- نداشتن پوشش مناسب بر جمعیت دانش آموزی این دوره؛
- ۲- ناتوانی در نگه‌داری دانش آموزان؛
- ۳- تراکم دانش آموزان در دو رشته انسانی و تجربی؛
- ۴- ترک تحصیل؛
- ۵- تکرار پایه و افزایش طول مدت تحصیل؛
- ۶- تربیت همه دانش آموزان متوسطه برای آموزش عالی؛
- ۷- ترکیب نامتوازن دروس و نیاز به دبیر تخصصی؛
- ۸- وابستگی ارزش دروس به یکدیگر طراحی شده بود. ضمن برطرف نمودن برخی از مشکلات فوق. تنگنای جدیدی ایجاد کرد که منجر به یک مسئله اجتماعی گردید. در عمل تنگنای جدیدی در اثر اجرای این نظام پیش آمد که اهم آن عبارت بود از مسئله:

- ۱- پیش دانشگاهی؛
- ۲- کم رنگ شدن مسائل پرورشی؛
- ۳- پنجره‌های باز در بین ساعات که موجب اعتراض خانواده‌ها و سایر مشکلات اجتماعی گردید. با بالا گرفتن اعتراضات مردمی و پی‌گیری‌های نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مشخص شدن ضعف‌های این نظام در یک دوره کامل از کارکرد آن و همچنین در پی عوض شدن مدیریت آموزش و پرورش روند اصلاحات برای برطرف کردن ضعف‌های موجود شکل گرفت. این اقدامات به طور تدریجی انجام شد و در نهایت وزیر محترم آموزش و پرورش در ابتدای سال ۱۳۷۷ «لایحه نظام جدید» را به هیئت دولت تقدیم کرد. متأسفانه در طرح پیشنهادی وزیر نیز ابهامات جدیدی به ابهامات قبلی افزوده شده و ضمن این که سعی شده بعضی از مشکلات حل شود تلاش بر بازگشت تدریجی به نظام قدیم آموزش و پرورش مشاهده می‌گردد.

با یک مرحله‌ای شدن کنکور که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید لایحه پیشنهادی وزیر آموزش و پرورش دچار مشکل گردید و به تبع ناچار شدند که شرایط را مجدداً تغییر دهند. در این راستا تغییرات جدیدی را پیش بینی کردند که سرعت بازگشت به نظام قدیم آموزشی را افزایش داد. بعضی از این تغییرات به شرح زیر است:

- ۱- مقرر گردیده از مهرماه سال جاری (۱۳۷۸) دانش آموزان کلاس اول دبیرستان به صورت سالی - واحدی ثبت نام شوند و به شرط قبولی در انتخابات پایان سال (خرداد ۱۳۷۹) به کلاس بالاتر ارتقا یابند. این طرح در واقع عقب نشینی واضح و آشکار وزارت آموزش و پرورش از طرح پردرد سر و جنجال برانگیز نظام جدید آموزش متوسطه است.

در توضیح مطلب باید گفت که نظام جدید آموزش متوسطه چند ویژگی اساسی داشته است که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- ترمی واحدی بودن؛
- انتخاب واحد توسط دانش آموز؛

- ارتقا به کلاس بالاتر بدون احتساب دروس مردودی و معدل:

- مردودی در دروس با نمره کمتر از ۱۰.

در طرح جدید که آن را سالی واحدی می نامند (که چندان نام بامسمایی نیست) دانش آموزان سال اول دبیرستان، یک سال تحصیلی کامل را سپری می نمایند.

به علاوه انتخاب واحدی نیز در کار نیست و آنها مجبورند تمام دروس و کتاب های ارائه شده را امتحان بدهند. در ضمن بر اساس مقررات ارزشیابی اعلام شده دانش آموزان به شرط کسب معدل ۱۰ می توانند در دو درس نمره بالای ۷- گرفته و قبول شوند و به شرط کسب معدل ۱۲ در دو درس بالای ۷- و یک درس زیر ۷- نمره قبولی گرفته و به کلاس بالاتر صعود نمایند و در غیر این صورت در همان پایه مردود خواهند شد.

این امر یعنی احیای مقررات نظام قدیم آموزش متوسطه و اعلام ابطال اساس نظام جدید.

به نظر می رسد ابلاغ این چنین امری به نوعی با شتابزدگی همراه است. وزارت آموزش و پرورش قصد دارد بدون این که نام نظام جدید را عوض نماید اندک اندک محتوی آن را عمده از نکات مثبت و منفی آن عوض کند و عملاً بدون تغییر نام که مستنزه هپاهو و جنجال خواهد بود محتوی را به نظام قدیم بازگرداند.

۲- در نظام قدیم متوسطه در پایان دوره راهنمایی تکلیف رشته ای که دانش آموزان می خواهند دنبال کنند روشن می شد. در نظام جدید متوسطه این امر در انتهای سال اول متوسطه اتفاق می افتاد و دانش آموزان در سال اول متوسطه به صورت عمومی درس های مشترک بین رشته های مختلف را می گذراندند.

این امر در تغییرات جدید مجدداً به دوره راهنمایی بازگشته است و به موجب ماده ۱۶ لایحه اصلاحی وزیر «در پایان دوره راهنمایی توصیه نامه ای به دانش آموزان اعطا می شود که آنها را در انتخاب به گرایش راهنمایی می کند».

چنانکه مشهود است این مطلب نیز به نوعی بازگشت به نظام قدیم آموزش و پرورش محسوب می شود. ۳- از ویژگیهای طرح سال آینده، اختصاص ۲ ساعت کلاس تحت عنوان «امور پرورشی» است که با توجه به عدم موفقیت و مقبولیت کلاس پرورشی در دوره راهنمایی و نیز عدم تألیف کتاب مشخص و تربیت معلم و مدرس لازم برای آن، از هم اکنون عدم توفیق و استقبال از آن قابل پیش بینی است.

۴- در توجیه طرح جدید مطرح گردیده که از پنجره های باز برنامه درسی جلوگیری خواهد شد. این امر با توجه به اختصاص ۴ ساعت به کلاس های جبرانی و تکمیلی در طول هفته و احتمال عدم تشکیل آن کلاس ها در برخی مدارس، نقض غرض خواهد شد. ضمن این که اختصاص ساعتی تحت عنوان «جبرانی» از اول سال اندکی محل تأمل دارد. کلاس جبرانی و تکمیلی معمولاً در انتهای یک سال تحصیلی که بخشی از دروس و برنامه های درسی تدریس نشده باشد یا مثلاً بعضی از مسائل تدریس شده نیاز به وقت بیشتر برای رفع مشکلات احتمالی دانش آموز داشته باشد. معنا پیدا می کند. ولی از ابتدای سال تحصیلی کلاسی را تحت عنوان جبرانی یا تکمیلی اختصاص دادن به معنای افزایش ساعت تدریس آن دروس خواهد بود. حال این تحول با هر اسمی انجام پذیرد فرقی نمی کند.

۵- در این طرح هزینه این ۴ ساعت کلاس جبرانی و تکمیلی تحت عنوان فوق برنامه از دانش آموزان دریافت خواهد شد. این مسئله نیز در آینده بسیار نزدیک مشکل ساز خواهد شد. زیرا کلاس فوق برنامه معمولاً نباید اجباری باشد و شرایط فعلی اقتصادی کشور پرداخت مبالغی توسط خانواده ها تحت عنوان

کلاس فوق برنامه و به صورت اجباری ممکن است باعث تشدید فشارهای اقتصادی بر جامعه و نارضایتی مردم گردد. ضمن این که به نوعی نیز آموزش مدارس عادی دولتی، از حالت رایگان خارج می شود. به علاوه بسیاری از دانش آموزان درسخوان و فعال نیاز به این ساعات جبرانی ندارند و علی الاصول شرکت آنها در این کلاس و پرداخت هزینه آن به صورت اجباری تا حدودی ظلم به این دانش آموزان است.

فصل دوم - نگاهی به سازمان دانش آموزان و دستورالعمل شورای دانش آموزی مدارس

وزارت آموزش و پرورش در راستای توصیه های ریاست محترم جمهوری مبنی بر مشارکت دانش آموزان در فعالیت های اجتماعی و سیاسی به تشکیل دو نهاد دانش آموزی به نام های ذیل اقدام کرده است:

- ۱- سازمان دانش آموزی وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران؛
- ۲- شورای دانش آموزی مدارس و مجمع مشاوران دانش آموزی در مناطق، استان و کشور.

۱-۲- سازمان دانش آموزی

معاونت پرورشی وزارت آپ که عهده دار تأسیس و راه اندازی این دو نهاد می باشد. تصویب اساسنامه سازمان دانش آموزی را - چون یک نهاد کشوری می شود- از طریق شورای عالی انقلاب فرهنگی پیشگیری نموده و خود مستقیماً به تهیه دستورالعمل تشکیل شورای دانش آموزی اقدام کرده است. در ماده ۱ اساسنامه سازمان مزبور آمده است:

به منظور اعتلای شخصیت دینی و اخلاقی عقلانی، علمی و اجتماعی دانش آموزان و ایجاد زمینه مشارکت همه جانبه آنها در زمینه های اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ورزشی و هنری سازمانی نیمه دولتی با عنوان سازمان دانش آموزی جمهوری اسلامی ایران و با مقررات خاص تحت نظارت وزارت آموزش و پرورش تشکیل می گردد.

اهداف سازمان

اهداف سازمان عبارت است از:

- الف- زمینه سازی تعلیم و تربیت اسلامی دانش آموزان در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی در جهت کسب فضایل اخلاقی و کمالات انسانی براساس تعالیم عالیه اسلام ناب محمدی (ص)؛
- ب- زمینه سازی برای بسط مشارکت فعال دانش آموزان در عرصه های مختلف انقلاب و کشور؛
- ج- برنامه ریزی برای استفاده مفید از اوقات فراغت دانش آموزان و آماده سازی آنان برای پذیرش مسئولیت های فردی و اجتماعی؛
- د- تقویت روحیه تعاون، نیکوکاری، نوع دوستی و کمک به دیگران و ترغیب به رعایت نظم و انضباط اجتماعی و روحیه قانون گرایی و احترام به قانون در جامعه؛
- ه- مشارکت در ارتباط بین المللی دانش آموزان به ویژه با دانش آموزان کشورهای اسلامی؛
- و- ایجاد علاقه و ایمان به فرهنگ خودی، خودباوری و توجه به شعار نه شرقی و نه غربی.

وظایف زنان

وظایف سازمان در اساسنامه مزبور به شرح ذیل ذکر شده است:

- ۱- جلب مشارکت کمیته مخاطبان اصلی و اعضای وابسته و مردمی برای تحقق اهداف سازمان؛
- ۲- اقدام لازم برای به عضویت درآوردن داوطلبان دانش آموزان؛
- ۳- برنامه ریزی برای پیگیری و استمرار و توسعه فعالیت های پرورشی مدارس از طریق سازماندهی دانش آموزان در خارج از مدرسه؛
- ۴- پژوهش، آموزش و مشاوره برای افزایش توانمندی های دانش آموزان عضو؛
- ۵- سازماندهی و هماهنگی برای جلب حمایت های ملی و منطقه ای؛
- ۶- مشارکت در ارتباط و هماهنگی با دانش آموزان سایر کشورها از طریق مراجع مسئول؛
- ۷- تأمین منابع مورد نیاز سازمان از طریق جلب مشارکت های مردمی در کنار کمک های دولت؛
- ۸- اجرای روش های تربیتی مناسب برای رشد اعتقادی و اخلاقی اعضا؛
- ۹- استفاده مفید و مؤثر از فضاهای پرورشی موجود در کشور و توسعه و تجهیز فضاهای مناسب جهت اجرای فعالیت سازمان؛
- ۱۰- برنامه ریزی برای شناسایی، جذب و آموزش مربیان داوطلب به منظور آماده سازی آنان برای اداره گروه های سازمان یافته دانش آموزی؛
- ۱۱- برقراری ارتباط با مراکز فرهنگی، علمی و نیز تشکل های مشابه در داخل و خارج از کشور برای تبادل اطلاعات و تجربیات و همکاری های مشترک؛
- ۱۲- برگزاری گردهمایی، همایش، جشنواره، اردو، مسابقات فرهنگی و ورزشی کنگره و مجامع گوناگون برای اعضا و مربیان؛
- ۱۳- تشویق و ترغیب دانش آموزان عضو به فراگیری و استفاده از شیوه های تعاون در فعالیت های مختلف اقتصادی، اجتماعی در واحدهای آموزشی.

اعضای سازمان

اعضای سازمان عبارتند از: اعضای اصلی یعنی دانش آموزان و اعضای ستادی یعنی مربیان. ارکان سازمان را هیئت امناء، شورای برنامه ریزی، رئیس سازمان و مجمع عمومی تشکیل می دهند. هیئت امنای سازمان عبارتند از: وزیر آب، معاون پرورشی وزارت آب رئیس سازمان تربیت بدنی، دبیر شورای عالی جوانان، فرماندهی نیروی مقاومت بسیج، رئیس اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان، مدیر عامل کانونی پرورش فکری و چهار نفر از اعضای اصلی - دو نفر از اعضای ستادی، دو نفر صاحب نظر در امور پرورشی به انتخاب وزیر آب، دو نفر از معاونین آب به انتخاب وزیر. جمعاً ۱۷ نفر.

نقاط قوت اساسنامه

- تأسیس سازمانی کاملاً همسو با اهداف و فعالیت های امور تربیتی با اختیارات قانونی و امکانات کشوری؛
- لباس و شعار و نشان و رفتار واحد و یکسان عامل مهمی در جذب نوجوانان و جوانان خواهد بود؛
- توان به کارگیری نیروی عظیم دانش آموزی در صحنه های اجتماعی نظیر طرح های امدادی، کمک رسانی، جمع آوری وجوه و...؛
- زمینه سازی در بین نوجوانان و جوانان برای رعایت قانون، فراگیری نظم اجتماعی، رعایت مقررات درون

سازمانی:

- زمینه سازی برای بروز و پرورش خلاقیت‌ها و استعداد‌های دانش‌آموزان در رده‌های تصمیم‌گیری، مشاورت، سازماندهی، رهبری و تقویت روحیه تعاون و مشارکت (پرهیز از تکرور و حرکت‌های خودسرانه):

- عاملی برای خنثی‌سازی زمینه‌های تهاجم فرهنگی در بین قشر دانش‌آموزی:

- زمینه‌ای برای مصونیت دانش‌آموزان از آسیب‌های اجتماعی نظیر اعتیاد، ونگردی، انحراف اخلاقی و...
نقاط ضعف

- عدم تصریح و تأکید بر تربیت نیروی کارآمد، آگاه و معتقد به میانی و ارزش‌های انقلاب:

- عدم اشاره به ویژگی‌های افراد خروجی از این سازمان، برنامه‌ها و فعالیت‌ها به گونه‌ای باشد که خروجی‌های آن سربازانی برای حفظ انقلاب اسلامی تربیت شده و در راه ارزش‌های آن حاضر به از خودگذشتگی باشند:

- نباس و رفتار و شعار متحد ممکن است سازمان را به رقیبی برای بسیج دانش‌آموزی یا نیروی مقاومت بسیج تبدیل نماید که ضرورت دارد با هوشیاری کامل در جهت تقویت نیروی بسیج برنامه‌ریزی‌های سازمان صورت پذیرد:

- در وظایف سازمان، به برقراری ارتباط با حوزه، مسجد و روحانیت معظم اشاره نشده است:

- ضرورت دارد در وظایف سازمان و برنامه‌های آن افزایش آگاهی‌های دانش‌آموزان برای کسب قدرت درک و تحلیل مسائل به عنوان یک اولویت ذکر شود تا خدای ناکرده از این قشر عظیم برای مقاصد جناحی و سیاسی استفاده نشود:

- در بند «ج» از اهداف سازمان، گویی آماده سازی دانش‌آموزان برای پذیرش مسئولیت‌های فردی و اجتماعی از طریق اوقات فراغت مدنظر بوده که باید قضیه فوق به صراحت و جداگانه در اهداف ذکر شود.

- حضور در کلیه عرصه‌های توسعه کشور (بند ۷ اصول حاکم بر سیاست‌ها) قدری غیرواقعی و بلندپروازانه به نظر می‌رسد.

به نظر می‌رسد تاکنون هیچ سازمان و حزب و حتی روزنامه‌ای ادعای ورود به کلیه عرصه‌های توسعه کشور را نداشته و ندارد و اگر مدعی باشد توان ورود رانداشته است.

۲-۲- شورای دانش‌آموزی

در بهمن ماه سال ۱۳۷۷ دستورالعمل تشکیل شورای دانش‌آموزی مدارس به تصویب و امضای وزیر آموزش و پرورش رسید و دستور تشکیل آن از اسفند همان سال صادر شد.

دستورالعمل فوق صرف نظر از محتوی آن با سرعت زیادی به تصویب رسید و با فاصله کمی برای اجرا ابلاغ گردید که به نظر می‌رسد این امر نوعی شتابزدگی را به همراه داشت.

ذیلاً بعضی از نکاتی که به نظر می‌رسد قابل توجه باشد و باید به نوعی رفع آنها کوشید عنوان می‌گردد:

- دستورالعمل مزبور برخلاف سیاست مدرسه محوری و تمرکززدایی وزارت آموزش و پرورش است.

- در تهیه و تدوین و مراحل تصویب این دستورالعمل مشورتی با مدیران و مربیان مدارس انجام نشده است. به نظر می‌رسد باید قبل از ابلاغ این دستورالعمل از مدیران و رؤسای مناطق نظر خواهی می‌شد یا حداقل به صورت آزمایشی در چند منطقه اجرا می‌گردید و در صورت موفقیت به صورت سراسری ابلاغ می‌شد.
- یکی از معایب بزرگ این دستورالعمل نادیده گرفتن حضور و نقش نهادهای قانونمند و با سابقه مدارس نظیر بسیج دانش آموزی و انجمن اسلامی است. در دستورالعمل مزبور هیچ گونه اشاره‌ای به جایگاه و نقش این نهادها یا نحوه همکاری آنها نشده است.
 - با توجه به این که هنوز نظام جدید «پرورشی» تعریف و تدوین نشده است تشکیل این شورا قبل از این که نظام جدید پرورشی، تدوین شود کاری سنجیده نمی‌باشد.
 - اختیاراتی که این طرح برای دانش آموزان قائل شده است، درازمدت باعث به وجود آمدن اصطکاک بین مدیران و دانش آموزان خواهد گردید.
 - انتقال بدون واسطه تقاضای مسئولان آموزش و پرورش به دانش آموزان و بالعکس (بند ۹ اهداف) یکی از مسائل غیرمتعارف و بسیار مشکل ساز است و می‌تواند حساسیت برانگیز باشد.
 - در ماده‌های ۸ و ۹ هیچ گونه اشاره‌ای به صلاحیت یا عدم صلاحیت کاندیداها نشده است و تنها شرط شرکت در انتخابات، تعادل دانش آموز عنوان شده است (در ماده ۲۶ ذکر شده است).
 - کمیته‌های این شورا یعنی فرهنگی مذهبی، سیاسی و اجتماعی، ورزشی، علمی آموزشی، مالی اداری و... دقیقاً با تشکیلات بسیج دانش آموزی و انجمن اسلامی مشابهت و مطابقت دارد و این مشکل در دستورالعمل حل نشده است.
 - در تبصره ماده ۲۶ مربوط به فقدان شرایط عضویت در شوراهای، تصمیم‌گیری بر عهده اعضای شورا گذاشته شده و فقط مشورت با مدیر و معاون پرورشی ذکر شده است که در واقع اختلاف مسئله ساز است.
 - برخی از وظایف اختصاصی شورای دانش آموزی مدرسه با بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های اداری مغایرت دارد. مثلاً تشکیل تعاونی دانش آموزی و برگزاری نماز جماعت بر عهده مدیر مدرسه و برنامه‌ریزی جهت مراسم و مناسبت‌های بر عهده شورای پرورشی مدرسه می‌باشد.

فصل سوم - شوراهای آموزش و پرورش

به منظور بهبود وضعیت آموزش و پرورش کشور، قانون شوراهای آموزش و پرورش در سال ۱۳۷۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. هدف از این قانون گسترش مشارکت، تمرکززدایی و ایجاد منابع جدید مالی بود. در حال حاضر کلیه استان‌ها و بیشتر شهرها دارای شورای آموزش و پرورش می‌باشند و تعداد این شوراهای به مرز ۴۰۰ رسیده است.

با فعال شدن این شوراهای به تدریج ستاد اصنی وزارتخانه می‌تواند به فعالیت‌های اصلی خود یعنی تعیین خط مشی‌های لازم، تمرکز بر برنامه‌های کلان و نظارت بر اجرای دستورالعمل‌ها، آئین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها بپردازد و شوراهای معضوف ساختن اذهان به جایگاه آموزش و پرورش کشور و لزوم مشارکت همه اقشار مردم با توجه به بهره مندی عمومی از خدمات زمینه سرمایه‌گذاری فکری و مادی هر چه بیشتر در این امر را

فراهم سازند.

در حال حاضر به دلیل مشکلات مالی امکان اجرای بسیاری از طرح‌ها که می‌تواند به گسترش آموزش و پرورش و ایجاد زمینه‌های رشد استعدادهای فرزندان این کشور و در نهایت تأمین نیروی انسانی که مهم‌ترین رکن توسعه یک کشور است میسر نیست. لذا یکی از اهداف تشکیل این شوراهای جنب منابع مادی از کلیه آحادی است که از ثمرات این فعالیت استفاده می‌برند. برخی از این منابع عبارتند از:

۱- اعتباراتی که هر سال در بودجه عمومی و عمرانی دولت براساس تعداد دانش آموز در اختیار استان‌ها قرار می‌گیرد؛

۲- یک درصد از بهای فروش کالا و خدمات کارخانه‌ها، مؤسسات تولیدی و خدماتی استان‌ها که به وسیله شوراهای همان استان دریافت شده و در سطح مناطق خود، مورد استفاده قرار می‌دهند؛

۳- تا ۵ درصد از عوارض صدور پروانه‌های ساختمانی، تفکیک زمین‌ها، پذیره و نوسازی از طریق شهرداری‌های سراسر کشور دریافت شده و به حساب مخصوص شورای آموزش و پرورش هر منطقه واریز می‌شود.

۴- درآمدی که از فروش ساختمان‌ها و زمین‌های رها شده و نیز ساختمان‌ها و زمین‌های دیگری که در اختیار آموزش و پرورش است، حاصل می‌شود.

۵- هدایا و کمک‌ها؛

۶- وجوهی که از ارائه خدمات آموزش و پرورش فوق برنامه مدارس به دست می‌آید با تصویب و اجرای قانون، شوراهای فعالیت خوبی در جهت جذب منابع داشته‌اند. آنچه اکنون مدنظر است ادامه این روند و همچنین ایجاد مشارکت مردمی و بهره‌گیری بیشتر از سرمایه‌های فکری صاحب نظران در راستای تحقق اهداف این قانون است.